

حماسه هویزه و تأثیر آن بر روند جنگ

نویسنده: محمود یزدان فام*

مقدمه

طی هشت سال جنگ تحمیلی، حماسه‌های زیادی آفریده شد که هر یک از آنها ویژگی‌های خاص خود را داشت و در روند جنگ، مؤثر بود. یکی از این حماسه‌ها، حماسه هویزه است که از ابعاد مختلف قابل بحث و بررسی است. زنده نگه داشتن یاد و خاطره حماسه‌آفرینان و انتقال فرهنگ آنها به نسل جدید ضرورت انکارناپذیری است. حفظ این حماسه‌ها، که یادآور سرگذشت مشترک جامعه می‌باشد، موجب وحدت و بزرگداشتشان و تعمیق فرهنگ ایثار و شهادت است.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که حماسه هویزه چه تأثیری در روند جنگ تحمیلی داشت؟ برای پاسخ بدین پرسش پرسش‌های فرعی آن به صورت زیر طرح و بدانها پاسخ داده می‌شود. حماسه هویزه در کدام بستر زمانی شکل گرفت؟ شرایط سیاسی و نظامی ایران چگونه بود؟ وضعیت نظامی عراق به چه صورت بود؟ حماسه هویزه چه بود و چگونه پدید آمد؟ چه کسانی و چه فرهنگ و نگرشی این حماسه را آفریدند؟ حماسه هویزه چه ویژگی‌هایی داشت؟ این ویژگی‌ها چگونه و با کدام ساز و کار بر روند جنگ تأثیر گذاشتند؟ این تأثیرگذاری در کدام سطوح و زمینه‌ها بود؟

نوشتار حاضر در پاسخ بدین پرسش‌ها، نخست، زمینه‌های سیاسی-نظامی بیدایش حماسه هویزه و ترکیب

نیروهای نظامی خودی، ویژگی‌های قدرت سیاسی این دوره، موقعیت و مواضع نیروهای نظامی خودی و دشمن در جبهه‌های جنگ، به ویژه منطقه عملیاتی سوسنگرد - هویزه و عواملی که طراحی این عملیات را موجب شدند، مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس، به خود عملیات می‌پردازد. در بخش بررسی عملیات، نخست اهداف، موقعیت و نیروهای عمل کننده به اختصار تشریح و سپس به خود عملیات و نحوه شکل‌گیری حماسه هویزه و چگونگی مقاومت و شهادت حماسه‌آفرینان پرداخته می‌شود. در مبحث بعدی، عملیات مزبور در سه مقوله ناهماهنگی در هدف و وسیله، ناهمگونی نیروهای عمل کننده و جدایی نیروها در عمل تفهیم خواهد شد تا پیامدها و ساز و کار تأثیرگذاری آن در روند جنگ در مبحث نهایی روشن شود.

اوضاع سیاسی نظامی ایران از آغاز جنگ تا عملیات

هویزه

با گذشت یک سال و نیم از پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش رهبری نظام در تثبیت پایه‌های رسمی حکومت، هنوز عوامل آشوب‌ساز در داخل و خارج کشور فعال بودند و با وجود تصویب قانون اساسی، برگزاری انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، جامعه از ثبات سیاسی لازم برخوردار نبود. در نتیجه، قدرت سیاسی حاکم انسجام

* کارشناس ارشد رشته روابط بین‌الملل و محقق حوزه جنگ

چندانی نداشت. با این که موضوع بحران قومیت‌ها در کردستان، خوزستان، بلوچستان، آذربایجان و ترکمن صحرا تمامیت جغرافیایی و همبستگی ملی را تهدید می‌کرد، قدرت مرکزی به دلیل شکاف درونی و وجود گروه‌ها و احزاب متعدد دارای خط‌مشی مسلحانه نتوانسته بود بحران را حل کند و ترکیب قدرت، آن را از درون فلج کرده بود؛ دوره‌ای که از آن با نام دوره حاکمیت مشترک نیروهای خط امام و لیبرال یاد می‌شود. از یک سو، ابوالحسن بنی‌صدر در مقام رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا، نیروهای لیبرال را پشت سر داشت و از سوی دیگر، شهید محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر نماینده نیروهای خط امام محسوب می‌شد که اکثریت مجلس شورای اسلامی را در پشتیبانی خود داشت و از حمایت رهبری و قوه قضائیه نیز برخوردار بود. سپاه بازوی نظامی این طیف بود. گروه نخست نیز به ارتش و رویکردهای نظامی آن در

محاصره آبادان تنگ‌تر شد. از طرف دیگر، تلاش ارتش عراق در عبور از بهمن‌شیر به نتیجه نرسید. در نتیجه، دشمن ضربه دیگری را متحمل شد. مقاومت نیروهای انقلابی در مقابل حملات متعدد عراق در سوسنگرد، تکرار دلوری‌های خرمشهر بود. فلش حمله عراق در بستان - سوسنگرد - اهواز در میانه راه قطع شد و مهاجمان از تسخیر شهر و ادامه پیشروی خود به طرف اهواز عاجز ماندند.^۳

اوضاع داخلی جدید، که تمامی نظرها را به مقابله با دشمن معطوف کرده بود، با توقف پیشروی دشمن کم‌رنگ‌تر شد. تلاش رئیس‌جمهور وقت برای استفاده از شرایط جنگی در رسیدن به اهداف سیاسی، اختلاف و دوگانگی را درون قدرت سیاسی عمیق‌تر کرد؛ موضوعی که ابعاد جدیدتری یافت و بنی‌صدر نیز تلاش خود را در حذف نیروهای انقلابی به جبهه‌های جنگ گسترش داد. هرچند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که به موازات

تنها در دو مورد گلوله باران شهر اهواز، در هر ساعت، نزدیک به یکصد گلوله توپ به شهر فرو ریخت و حدود دویست نفر از مردم شهر شهید شدند

نابسامانی‌های بعد از انقلاب و ضرورت برخورد با حرکت‌های ضد انقلاب در داخل کشور شکل گرفته بود، به تدریج، گسترش یافت و با تشکیل بسیج مستضعفین به دستور رهبر کبیر انقلاب به منبع غنی نیروهای مردمی پیوند خورد و با آغاز جنگ و ضرورت دفاع از انقلاب و تمامیت ارضی کشور، به یک نیروی نظامی قدرتمند تبدیل شد، ولی در دوره مورد بحث، از نظر استعداد، امکانات و شرایط سیاسی در موقعیتی نبود که بتواند مسئولیت همه جانبه دفاع از کشور را بر عهده بگیرد. هم‌چنین، تلاش‌های بنی‌صدر مانع همکاری آنها با ارتش می‌شد. در موارد اندکی هم که همکاری انجام می‌گرفت، در صورت همکاری ارتباط آنها بیشتر یک طرفه بود تا متقابل.^۴

در جبهه‌های جنگ، به دلیل ضعف‌های موجود در نیروی نظامی کلاسیک و فقدان فرماندهی متمرکز توانا در به کارگیری نیروها، مقاومت اساسی در برابر تجاوز دشمن، به ویژه در شهرها با اتکا به نیروهای مردمی و انقلابی شکل گرفت. آنها که از گوشه و کنار کشور در جبهه‌های جنگ گرد آمده بودند، نه دوره‌های آموزش نظامی را طی کرده بودند و نه تجربه جنگ داشتند، اما با این همه و علی‌رغم تفاوت‌هایشان از نظر سطح سواد و سن و شهری یا روستایی بودن، با هدف مشترک دفاع از اسلام و وطن،

قبال نیروهای انقلابی گرایش داشت.^۱ در چنین شرایطی، که ثبات سیاسی کشور در معرض خطر و نابودی بود و فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی امریکا نیز آن را تشدید می‌کرد، رژیم عراق تهاجم گسترده خود را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

علی‌رغم آن که حمله عراق برای مدتی به ساختار درونی قدرت سیاسی و جامعه وحدت و انسجام بخشید، تعلیق خریدهای نظامی و شعار انحلال نیروهای نظامی کلاسیک به پایان رسید و با هر گونه ایجاد تردید و ابهام در فلسفه وجودی ارتش مقابله شد، ولی تأثیر اوضاع نابسامان این دوره در ترغیب رژیم عراق در حمله به جمهوری اسلامی ایران به وضوح آشکار بود و اثرات روحی روانی آن هم چنان، در بدنه نیروهای نظامی مشاهده می‌شد و شرایط جبهه‌ها نیز بهتر از اوضاع سیاسی نبود.

در صحنه جنگ، ارتش عراق پیشروی سریعی داشت، به طوری که با در هم شکستن مقاومت‌های کوچک به پانزده کیلومتری اهواز رسید، اما در خرمشهر، جنگ چریکی و مقاومت نیروهای انقلابی یک ماه ادامه یافت و ضربه شدیدی بر نیروها و نگرش دشمن وارد آورد. با این حال، خرمشهر بعد از یک ماه مقاومت سقوط کرد^۲ و

عاجز کرد؛ اقداماتی که فرماندهان عراقی را به تعمق بیشتر در پیشروی‌ها واداشت و ایران را از دوران پر تلاطم و بحرانی تسلط دشمن نجات داد. دشمن که بر اثر مقاومت‌ها، توانایی پیشروی را از دست داده بود، به امید دستیابی به صلح در مناطق اشغالی مستقر شد. در این مدت، دو طرف حرکت درخور توجهی را از خود نشان ندادند و تنها آتش توپخانه و حملات هوایی محدود بود که آتش جنگ را شعله‌ور نگه داشته بود. البته، گاهی، عراق می‌کوشید تا موقعیت خود را گسترش دهد و مناطق اشغالی را تثبیت کند.

در جبهه خودی، بجز اقدامات کوچک و محدود نیروهای انقلابی - مردمی طی سه ماه تا دی ماه ۱۳۵۹، تنها یک مورد عملیات منظم را طراحی و در محور دزفول اجرا کردند که آن هم موفقیتی در پی نداشت. اقدامات مؤثر نیروهای انقلابی در شکستن محاصره سوسنگرد توجه مردم و مسئولان را به جنگ از گذشته بیشتر و آنها را به تعمق و مقایسه عملکرد نیروها در جبهه‌های جنگ حساس‌تر کرد. افکار عمومی داخلی به این موضوع تمایل داشت که ارتش در صورت برخورداری از روحیه تهاجمی می‌تواند با بهره‌گیری از امکانات موجود، دشمن را شکست دهد و از سرزمین‌های اشغالی بیرون براند. در این

رنج‌های بسیاری را به جان خریدند و در دفاع از آن، با تمام وجود جنگیدند. یکی از فرماندهان سپاه در توصیف شکل‌گیری نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ می‌گوید: «در جلگه‌های خوزستان، فهمیدیم جنگ کلاسیک یعنی چه؟ ما توانستیم جلوی نیروهای عراق بایستیم، اما دانشکده خاصی نداشتیم، صدای توپ تا به حال نشنیده بودیم. فرمانده عملیات منظمی نداشتیم. قادر به تأمین تدارکات و پشتیبانی جبهه‌ای به این گستردگی نبودیم و می‌توان گفت هیچ‌گونه آمادگی در رابطه با پذیرش جنگ کلاسیک نداشتیم. وقتی جنگ بر ما تحمیل شد با فشارهای فراوانی توانستیم مراحل و مقاطع گوناگون را طی کنیم».^۵

دوگانگی سیاسی در چهره نیروهای نظامی، برنامه‌ها و تاکتیک‌های جنگی آنها آشکار بود. در مقابل واژه‌هایی همچون جنگ کلاسیک؛ استفاده از تخصص‌های نظامی؛ و تکیه بر تجهیزات و سلاح‌های پیشرفته، واژه‌هایی مانند جنگ مردمی، نیروهای ایثارگر و شهادت طلب، شکل گرفت. جنگ‌های چریکی و محدود در برابر عملیات‌های گسترده بروز کرد و کارآیی خود را در متوقف کردن حرکت دشمن نشان داد. مقاومت نیروهای انقلابی در خرمشهر نفس ارتش عراق را گرفت و شبیخون آنها در جبهه‌های آبادان، فارسیات، اهواز، دزفول و سوسنگرد ارتش عراق را



هویزه، باتلاق هورالهویزه در امتداد مرز به طول ۷۵ کیلومتر و عرض ۴۰ کیلومتر گسترده شده است که مانع طبیعی عمده‌ای برای حرکت نظامی دشمن محسوب می‌شد. به طوری که نیروی دشمن علی‌رغم حضور در شرق هویزه، چند ماه پس از آغاز جنگ توانستند به هویزه وارد شوند. بر اساس طرح عملیات، قرار بود در مراحل مختلف به

حماسه هویزه، که در طول دو روز عملیات پدید آمد، محصول فرآیندی بود که در ساختار نیروهای نظامی کلاسیک و انقلابی و نظام سیاسی ریشه داشت

ترتیب، شمال و جنوب کرخه کور پاکسازی و پادگان حمید و منطقه جفیر آزاد شود، سپس، طلائییه و کوشک در جنوب منطقه عملیاتی و بعد از آن، خرمشهر آزاد شود و پس از آزادسازی کل منطقه خوزستان بنا به دستور، دشمن را در حد فاصل کوشک - شلمچه در خاک عراق تا اروندرود تعقیب کنند و با پاکسازی شرق بصره در کنار این رود استقرار یابند.^۸ عملیات با شرکت سه تیپ زرهی ارتش دو گردان و چندین گروهان پیاده از نیروهای سپاه در روز ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ آغاز شد.

طبق اعلامیه فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به منظور تأمین اهداف مورد نظر، عملیات در دو دوره و هر دوره در دو مرحله با شرکت نیروهای زیر انجام می‌گرفت: در نخستین دوره، قرار بود تیپ ۳ همدان از لشکر ۱۶ زرهی قزوین به همراه دو گروهان از نیروهای سپاه، از محور ابوحمیظه - سوسنگرد حرکت کرده منطقه شمال رودخانه کرخه کور را پاکسازی کنند و تیپ ۱ قزوین از همان لشکر نیز به همراه دو گردان پیاده از سپاه هویزه حرکت و پس از پاکسازی کرخه کور، با نیروهای تیپ ۳ الحاق کند. در محور دیگر، قرار بود هم‌زمان لشکر ۹۲ زرهی اهواز با احداث پل روی رودخانه کارون در منطقه فارسیات به کرانه غربی بیاید و با پیشروی خود، جاده اهواز - خرمشهر را برای تردد نیروهای عراقی ناامن کند. طبق طرح، پنج گروهان از نیروهای سپاه در اختیار لشکر ۹۲ قرار داشت.^۹

عملیات هویزه: پیروزی اولیه و حماسه بعدی

عملیات نصر (هویزه) پس از پانزده دقیقه اجرای آتش تهیه در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۵ دی ماه سال ۱۳۵۹، با حمله

مقطع، سکون و رکود نیروهای نظامی توجیه‌پذیر نبود. در نتیجه، فشار به فرماندهان نظامی برای انجام عملیات آفندی افزایش یافت. رئیس جمهور در جلسه‌ای در قرارگاه عملیاتی جنوب در ۲۶ آذر ماه، بر اجرای یک عملیات آفندی گسترده تأکید کرد و خطاب به فرمانده نیروی زمینی ارتش گفت: «به هر ترتیبی که امکان داشته باشد چنین طرحی را تهیه و اجرا کنید. من دیگر در مقابل نظرات و خواسته‌های مردم و رهبران مذهبی قدرت مقاومت ندارم یا باید طرحی را تهیه و اجرا کنید یا این که بروید در رسانه‌های گروهی صریحاً علت عدم امکان اجرای عملیات آفندی را برای مردم توضیح دهید.»^۶ علی‌رغم تشدید گلوله‌باران شهرهای مرزی، تلاش برای تدارک عملیات گسترده بسیار کند بود و اقدامات دو طرف از اجرای آتش توپخانه تجاوز نمی‌کرد و با اجرای شبیخون‌های نیروهای انقلابی، گلوله‌باران شهرها افزایش می‌یافت.

تنها در دو مورد گلوله‌باران شهر اهواز، در هر ساعت نزدیک به یکصد گلوله توپ روی شهر فرو ریخت و حدود دویست نفر از مردم شهر شهید شدند.^۷

به دنبال این اقدام، موج اعتراضات مردم و ائمه جمعه و مسئولان درباره عدم تحرک اساسی و عقب زدن نیروهای دشمن از نزدیکی شهرها افزایش یافت. بدین ترتیب، فرماندهان نظامی جنگ کارهای ستادی طراحی عملیات در منطقه هویزه را آغاز و موضوع را به یگان مربوطه ابلاغ کردند.

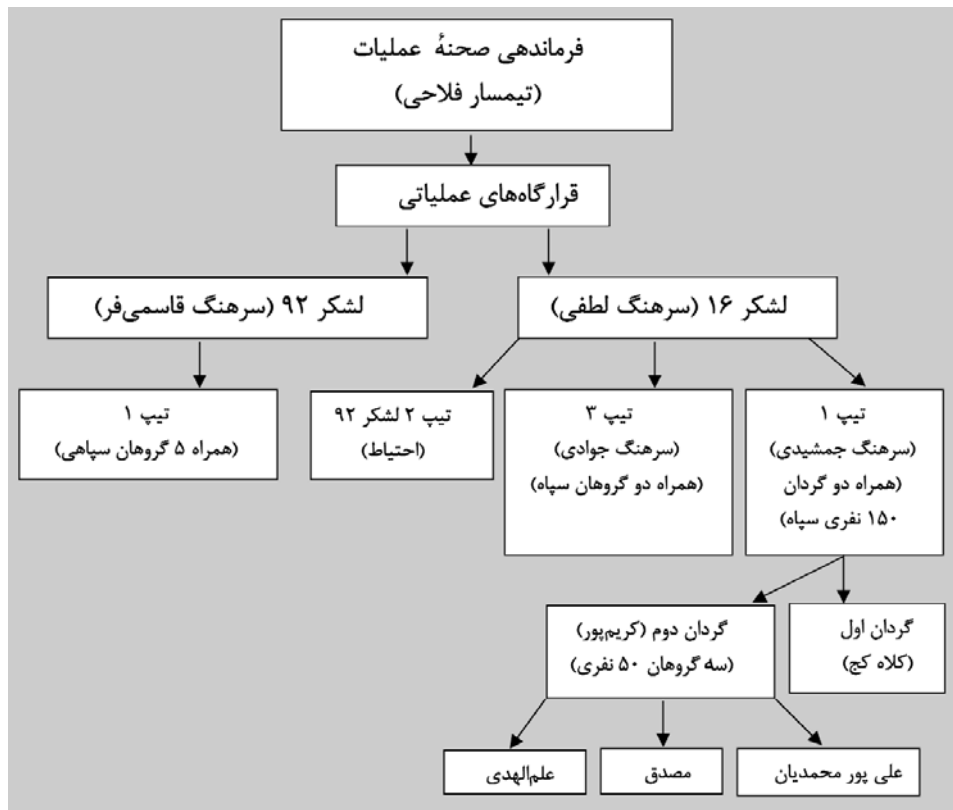
موقعیت، اهداف و نیروهای عمل‌کننده

هویزه در جنوب غربی شهر سوسنگرد قرار دارد و از جنوب به پادگان حمید و جفیر و در نهایت، به کوشک و طلائییه ختم می‌شود که نیروهای عراق در آن جا مستقر هستند. در شرق هویزه، رودخانه کرخه کور قرار دارد که مواضع نیروهای خودی را از مواضع دشمن جدا می‌کند. این رود در جنوب غربی حمیدیه از کرخه منشعب می‌شود و نخست، به سمت جنوب امتداد می‌یابد و سپس، در شمال بنی تمیم به سمت غرب تغییر مسیر می‌دهد و به موازات جاده حمیدیه - سوسنگرد پس از عبور از هویزه، به هور الهویزه می‌ریزد. به دلیل لایروبی سالانه و ریختن گل و لای این روخانه در دو طرف آن، عارضه مرتفعی از هویزه تا آبادی اژدک پدید آمده است که در زمین‌های هموار و مسطح جنوب ارزش نظامی دارد؛ عارضه‌ای که در جریان نبردهای این منطقه، از آن استفاده‌های مؤثری شد. در غرب

طبق طرح عملیات، مرحله دوم حمله ساعت ۸ صبح روز بعد آغاز شد. در این روز، نیروهای زرهی و پیاده به سوی پادگان حمید و منطقه جفیر پیشروی کردند. در مقابل، تعدادی از تانک‌های عراقی دشمن در حوالی ام‌العقار و ام‌الفصیح متمرکز شدند و دشمن با آرایش تانک‌های خود جناح جنوبی لشکر ۱۶ زرهی را مورد تهدید قرار داد. ضد حمله آنها در ساعت ۹:۵۰ از سمت شرق و جنوب به یگان‌های لشکر ۱۶ آغاز شد. یگان‌های عراقی با وجود ضربات سختی، که روز پیش متحمل شده بودند، با در دست داشتن پادگان حمید، توان پشتیبانی و تحرک بالایی داشتند. در مقابل، نیروهای خودی سرمست از پیروزی اولیه، دشمن را دست کم گرفتند و از تثبیت مواضع جدید غافل شدند، یعنی تلاشی برای تحکیم موقعیت به دست آمده به عمل نیاوردند، سنگری ایجاد نکردند و خاکریزی برپا نداشتند، تانک‌های عراقی و تجهیزات دیگر دشمن، که از روز پیش در منطقه باقی مانده بودند، باعث شد تا برخی از افراد به جمع آوری غنائم مشغول شوند. بدین ترتیب، فقدان تجربه در مقابل ضد حمله، کمبود

هماهنگ شده تیپ ۳ همدان از محور جاده حمیدیه - سوسنگرد و تیپ ۱ قزوین از جنوب هویزه آغاز شد. تیپ ۳، که حمله خود را از منطقه ابوحمیظه آغاز کرده بود، به سرعت، به سوی مواضع دشمن پیشروی کرد - البته تیپ ۱ قزوین در جنوب هویزه با چنین سرعتی عمل نکرد - و طی دو ساعت به کرخه رسید و توانست با استفاده از پل‌های احدائی دشمن از رودخانه عبور کند و به کرانه جنوبی کرخه کور برسد. در این محور، طی شش ساعت، نیروهای عمل‌کننده توانستند مناطق جنوبی کرخه کور را آزاد کنند و ضربات سنگینی را بر نیروهای دشمن وارد آورند. نیروهای عراقی که شدیداً غافلگیر شده بودند، با به جا گذاشتن توپخانه خود به دو کیلومتری جنوب کرخه کور عقب‌نشینی کردند و حدود هشتصد نفر از افراد آنها به اسارت درآمدند، اما به دلیل تأخیر نیروهای محور کارون در عبور از این رودخانه و برخورد آنها به میدان مین، پادگان حمید و منطقه جفیر، که عقبه دشمن محسوب می‌شدند و از اهداف مرحله نخست بودند، دست نخورده در اختیار دشمن باقی ماندند.

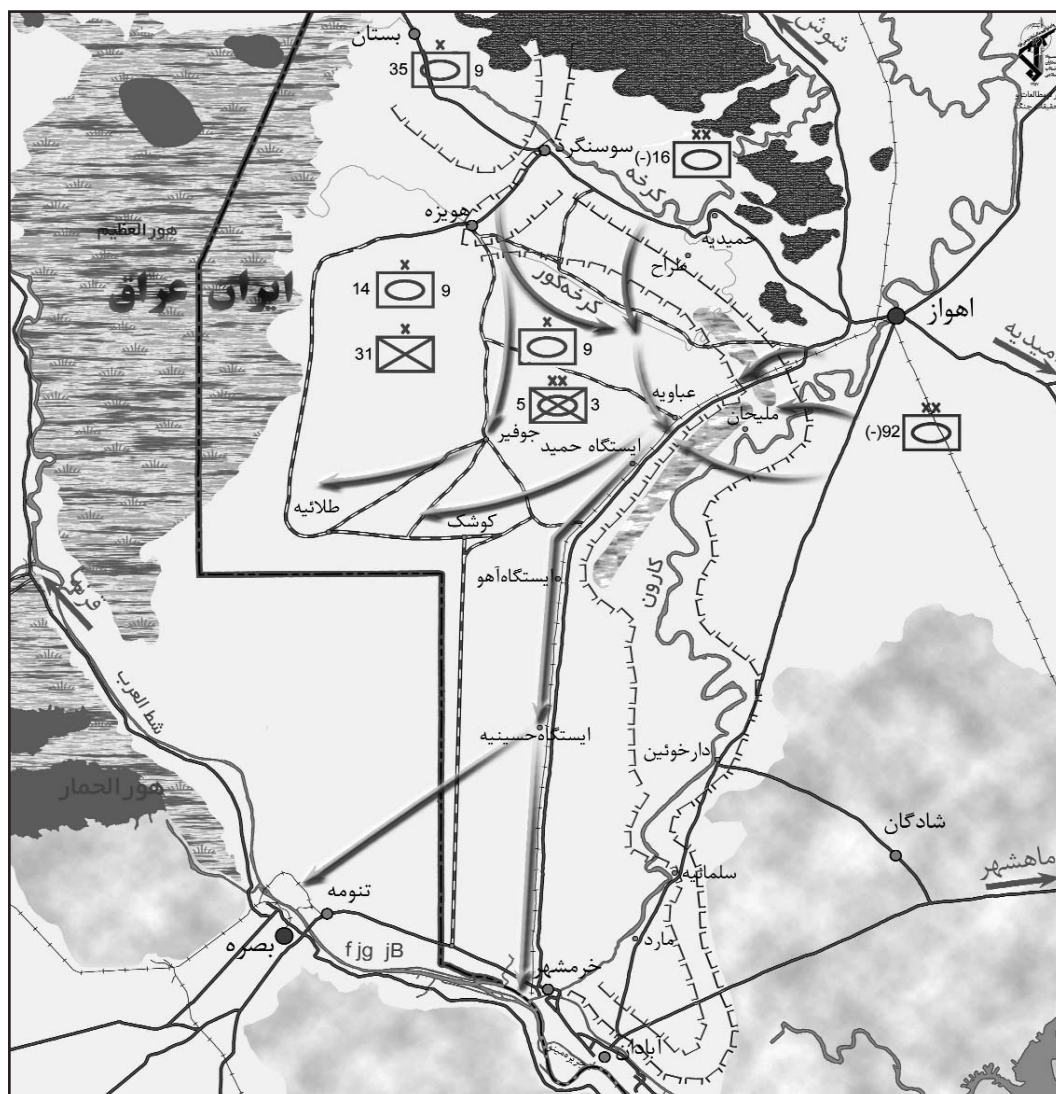
(نمای کلی سازمان رزم در عملیات هویزه)^{۱۰}



صادر کرد که با رسیدن دستور به گردان، تمام نیروهای زرهی مستقر در منطقه به سرعت صحنه را ترک کردند و به جای یک گام، چندین گام عقب نشستند. در همین هنگام که نظم نیروها مختل شده بود، هواپیماهای نیروی هوایی ارتش در آسمان منطقه ظاهر شد و به جای مواضع دشمن، مواضع نیروهای خودی را بمباران کردند. بدین ترتیب، اوضاع بیش از پیش به ضرر نیروهای خودی ادامه یافت. نیروهای پیاده سپاه، که حدود ۱۵۰۰ متر جلوتر از تانک‌ها می‌جنگیدند، از دستور عقب نشینی بی‌خبر بودند. البته، افزون بر فاصله مزبور، دو عامل گرد و غبار صحنه نبرد، که دید نیروهای پیاده را بسیار کاهش داده بود و وجود تانک‌ها در صحنه، که از عقب نشینی نیروهای زرهی به جا مانده بودند و این طور نشان می‌دادند که آنها هنوز در حال

مهمات، کاستی در پشتیبانی و ضعف فرماندهی در مجموع موازنه قدرت را در صحنه نبرد به ضرر نیروهای خودی تغییر دادند.

در ساعت ۱۱، نیروهای لشکر ۱۶ زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفتند و در غرب سوسنگرد، نیروهای دشمن به حرکت درآمدند. حضور هواپیماهای دشمن در آسمان منطقه و بمباران مواضع نیروهای خودی اوضاع را آشفته کرد، به طوری که تانک‌های عراق به هزار متری محل استقرار تیپ رسیدند و شدیدترین نبرد تانک‌ها در طول جنگ بین لشکر ۱۶ زرهی ایران و لشکر ۹ زرهی عراق در گرفت که تا ساعت ۴ بعد از ظهر هم چنان ادامه یافت. در این ساعت، فرمانده یکی از گردان‌های لشکر ۱۶ زرهی برای تجدید قوا و اقدام مجدد، دستور یک خیز عقب‌نشینی را



و بچه‌ها آماده مقابله بودند. حسین در تل خاک سمت چپ جاده بود.»^{۱۱}

محمدرضا، باستی یکی دیگر از بازماندگان حماسه هویزه، در خاطرات خود در مورد حوادث این محاصره و خروج از آن می‌نویسد:

«حسین و محسن به من گفتند: "شما آر.پی.جی. ندارید، بروید که کشته می‌شوید." ما حدود صد متر پیش رفته بودیم که برگشتیم پشت سر بچه‌ها را بینیم. دیدم حسین یک گلوله آر.پی.جی. به طرف تانک عراقی شلیک کرد که حدود یک متر از بالای تانک رد شد. تانک‌ها هم چنان جلو می‌آمدند که بچه‌ها یکی از آنها را زدند و بقیه سر جایشان متوقف شدند. ما حدود سیصد متر عقب آمده بودیم که یک مرتبه دیدیم تانک‌های عراقی از طرف راست جاده (سمت هویزه) به سوی مواضع ما می‌آیند... ما محاصره شده بودیم. رگبار تانک‌ها قطع نمی‌شد. بچه‌ها یکی یکی داشتند تیر می‌خوردند. خون از بدن آنها سرازیر بود. بچه‌ها سینه خیز جلو می‌آمدند. در این حال، مسعود انصاری هم داشت خودش را جلو می‌کشید. از او سراغ حسین، محسن و جمال را گرفتیم و او گفت: آنها را به رگبار بستند و هر سه شهید شدند.»^{۱۲}

در این حماسه، حدود ۱۴۰ نفر از نیروهای مؤمن، متعهد، تحصیل کرده و انقلابی سپاه و بسیج، که تعدادی از آنها از دانشجویان پیرو خط امام بودند، به شهادت رسیدند. عده دیگری نیز با تن مجروح و با استفاده از تاریکی شب خود را به نیروهای خودی رساندند تا به عنوان پیام آوران حماسه هویزه رسالت سنگین تری را بردوش بگیرند.^{۱۳}

ویژگی‌های عملیات و حماسه هویزه

حماسه هویزه، که در طول دو روز عملیات پدید آمد، محصول فرآیندی بود که در ساختار نیروهای نظامی کلاسیک و انقلابی و نظام سیاسی ریشه داشت و آثار و پیامدهای ماندگاری در طول هشت سال جنگ عراق علیه ایران برجای گذاشت. ویژگی‌های عملیات و حماسه هویزه با توجه به اهداف، نیروهای عمل کننده و نتایج آن در سه مقوله ناهماهنگی هدف و وسیله، ناهمگونی نیروهای عمل کننده و جدایی آنها در عمل، قابل طرح است:

۱) ناهماهنگی هدف و وسیله

یکی از رموز موفقیت هر تصمیمی میزان هماهنگی میان

مقاومت‌اند، نیز در عدم آگاهی نیروهای پیاده مؤثر بود. بدین ترتیب، در پی عقب‌نشینی قوای زرهی خودی، نیروهای پیاده سپاه در منطقه به جا ماندند و به محاصره تانک‌های دشمن در آمدند. مسعود انصاری یکی از بازماندگان این واقعه می‌نویسد:

«تعدادی از تانک‌های چپفتن در صحنه بودند و ما خیال می‌کردیم که ارتش هنوز دارد مقاومت می‌کند... یکی از تانک‌های عراقی در جاده به بیست سی متری ما رسید، حسین [علم‌الهدی] با اشاره به من گفت: "برجک تانک را بزن". من هم زدم و خود حسین هم زد. دو تانک دیگر نیز با آر.پی.جی. زده شد و برای چند دقیقه پیشروی آنها متوقف گردید. در این عملیات، با وجود این که ما بی سیم داشتیم،

ویژگی‌های عملیات و حماسه هویزه با توجه به اهداف، نیروهای عمل کننده و نتایج آن، در سه مقوله ناهماهنگی هدف و وسیله، ناهمگونی نیروهای عمل کننده و جدایی آنها در عمل قابل طرح است

ارتش عقب‌نشینی اش را به ما خبر نداد. من خودم چندین بار معرف* لشکر را صدا زدم که جریان چیست؟ گفت: "به گوش باش" چندبار دیگر صدا زدم، گفت: "تیپ ۱ دارد تغییر موضع می‌دهد". بعد از چند دقیقه دیگر ارتباط ما قطع شده تا این که محاصره شدیم. همه بچه‌ها مقاومت کردند. چنان که در کانال کوچکی کنار جاده بیش از پنجاه نفر شهید شدند.»

برادر عیبات یکی دیگر از بازماندگان این حماسه می‌گوید:

«آن جا بیابان بازی بود، تنها چیزی که مشاهده می‌شد، بوته‌های علف بودند. صدای انفجارهای پی در پی خمپاره‌ها، توپ‌ها و رگبار شدید تیربارهای تانک، دشت را پرکرده بود. برادران ما در لابلای بوته‌ها به شکل سینه خیز جلو می‌رفتند. در حالی که تیربارها به شدت مشغول شلیک بودند و تیرها از همه طرف به سوی بچه‌ها روانه می‌شدند. منتهی براساس تحلیلی که برادر علم‌الهدی گفته بود آن نیروی ایمان بود که نقش اساسی در حرکت برادرها داشت. آنها در پشت دو تل خاک سنگر گرفته بودند و در کل حدود بیست الی سی گلوله آر.پی.جی. در آن جا وجود داشت. فرصتی برای تصمیم‌گیری درباره عقب‌نشینی نبود

* نماینده یگان ارتش در گردان‌های عمل کننده سپاه

اهداف مورد نظر و توانایی رسیدن به آن است. اهداف از نظر میزان اهمیت تقسیم‌بندی می‌شوند و راهکارهای دستیابی بدانها با توجه به میزان اولویت و توانی که جامعه به آنها اختصاص می‌دهد، مشخص می‌شود. بدین ترتیب، در رسیدن به اهداف، توانایی جامعه نقش اصلی را دارد. هدف‌ها می‌توانند مهم باقی‌مانند و حتی به صورت آرمان در جامعه مطرح شوند و گام‌های آهسته و پیوسته‌ای برای رسیدن به آنها برداشته شود، ولی سرعت عمل در رسیدن به آنها، تنها در سایه توانایی‌های جامعه سنجیده می‌شود. اگر

عملیات هویزه نخستین ادغام دو نیرو، دو سازمان، دو استراتژی و دو انگیزه و هدف بود که نقش مهم و مؤثری را در تحول، تکامل و ترکیب این دو نیرو در سال‌های بعدی جنگ ایفا کرد

چنین توانی در جامعه باشد، تخصیص امکانات برای رسیدن به آنها بدون در نظر گرفتن عامل زمان موجب نابودی امکانات محدود جامعه خواهد شد.

در عملیات هویزه، میان اهداف مورد نظر و توان خودی هماهنگی وجود نداشت. اهداف وسیع و گسترده و توان ضعیف و محدود بود. توان چهار تیپ زرهی و چند گردان پیاده برای جنگ با ارتش عراق که با تجهیزات پیشرفته تهاجم خود را آغاز کرده و بدون این که ضربه سنگینی را متحمل شده باشد، استقرار یافته بود، مناسب به نظر نمی‌رسید. از نظر صاحب نظران نظامی، سرزمین وسیعی که قرار بود طی عملیات هویزه، آزاد شود،^{۱۳} نه تنها از توان چنین استعدادی خارج بود، بلکه چند برابر این توان نیز قادر به بازپسگیری آن نبود. تصرف منطقه شلمچه در داخل عراق و کشاندن جنگ به شرق بصره بیشتر به رویا شباهت داشت تا واقعیت. این ناهماهنگی با نگاهی به توان تجهیزاتی ارتش عراق و ضعف‌های عملیاتی خودی آشکارتر می‌شود.

۲) ناهمگونی نیروهای عمل‌کننده

افزون بر تناقض موجود میان هدف و وسیله، نیروهای عمل‌کننده نیز از کم‌ترین هماهنگی و همگونی برخوردار بودند. این ناهمگونی از آموزش نیروها تا استراتژی جنگ نمایان بود. در عملیات هویزه، نیروهای آموزش دیده، ولی کم‌تجربه ارتش در کنار نیروهای داوطلب مردمی و انقلابی قرار گرفتند. گروه دوم، که انگیزه‌ای جز دفاع از انقلاب

اسلامی و کشور خود نداشتند، فقط به دنبال سلاحی بودند که از وطن خود دفاع و دینشان را ادا کنند. در کنار آنها، نیروهای ارتش قرار داشتند که به عنوان یک نیروی نظامی کلاسیک آموزش دیده و سازمان یافته با تجهیزات پیشرفته و انگیزه متفاوت آماده جنگ بودند. هر چند این نیرو آموزش دیده بود، ولی تجربه جنگ نداشت و فرار سران آن، سازمان ارتش را مختل کرده بود. ساختار سازمانی متفاوت دو نیروی نظامی، دو دیدگاه متفاوت را در استراتژی و تاکتیک برای مقابله با نیروهای دشمن پدید آورده بود. تاکتیک نیروهای سپاهی و انقلابی، بیشتر برانگیزه‌های مذهبی و تعهد نیروها استوار بود و آنان بر شیوه‌های انقلابی و تدابیر و ابتکارات غیرکلاسیک تأکید داشتند، در حالی که نیروهای ارتشی بر یک جنگ کلاسیک زرهی و سازمان یافته تأکید می‌کردند.

در عمل، نیروهای انقلابی در طی سه ماه جنگ با مقاومت در مناطق مختلف شهری، زدن شبیخون، نبردهای چریکی و اتخاذ تاکتیک‌های ابتکاری، دشمن را متوقف کرده بودند و گروه دوم در پی انجام عملیات منظم و نسبتاً گسترده بودند که در آن، هر یک از ارکان نیروی نظامی آن گونه که آموزش دیده و سازمان یافته بود، عمل کند. عملیات هویزه نخستین ادغام دو نیرو، دو سازمان، دو استراتژی و دو انگیزه و هدف بود که نقش مهم و مؤثری در، تکامل و ترکیب این دو نیرو در سال‌های بعدی جنگ ایفا کرد.

۳) جدایی نیروها در عمل

ناهماهنگی در عمل انعکاسی از ناهمگونی نیروها در اهداف، انگیزه، روش، آموزش و تجهیزات است. نیروهای انقلابی با تجهیزات انفرادی یکی دو کیلومتری جلوتر از نیروهای زرهی می‌جنگیدند و ارتباط منسجمی میان آنها و یگان زرهی وجود نداشت. در واقع، نه وظایف خطوط جنگ تقسیم شده و نه ترکیبی از نیروها پدید آمده بود. تنها اقدام انجام شده، پذیرش نیروهای انقلابی برای انجام وظیفه در زیر مجموعه یکی از تیپ‌های ارتش بود. در چنین شرایطی، اگر عملیات با موفقیت به پایان می‌رسید، مشکلی پیش نمی‌آمد، ولی هنگامی که عملیات نتیجه مطلوب نداد و فشار دشمن افزایش یافت، شکاف بالقوه میان نیروها به جدایی بالفعل تبدیل شد؛ هریک از آنها جداگانه به اتخاذ تصمیم پرداختند؛ سازمان نیروها به هم ریخت؛ نیروهای زرهی بدون اطلاع نیروهای پیاده که در

جنگ دو ارتش منظم به نتیجه نرسیده بود. جنگ زرهی به دلیل تلفات بالای عملیات و ناتوانی ایران در جایگزین کردن تجهیزات جدید به جای آنها به دلیل اعمال تحریم اقتصادی از سوی کشورهای تولید کننده سلاح، برای جمهوری اسلامی امکان پذیر نبود. در مقابل، عراق می توانست بدون محدودیت مالی و سیاسی تجهیزات و سلاح های پیشرفته بیشتری را خریداری کند و آنها را به کار گیرد. در چنین وضعیتی، تکرار جنگ منظم دو ارتش با استفاده از تجهیزات زرهی به معنای قبول برتری عراق و استقبال از شکست بود.

عملیات هویزه، که بن بست جنگ منظم زرهی را در پی داشت، در درون خود، حماسه ای را نیز آفرید و راه حلی را برای این مشکل پدید آورد؛ راه حلی که چیزی جز تداوم راه حماسه سازان هویزه نبود. نیروهای انقلابی به تدریج در قالب سپاه و بسیج سازماندهی شدند. آموزش های نظامی لازم را دیدند و تجربه های تلخ و شیرین جنگ را به کار گرفتند. استراتژی جنگ مردمی با تکیه بر ایمان و تعهد نیروهای داوطلب بر بن بست کمبود تجهیزات و جنگ منظم زرهی غلبه کرد. نیروهای سپاهی راه خود را یافتند و در با کوله باری از تجربه، سازمانشان را گسترش دادند و در

جلوی خط حمله بودند، عقب نشینی کردند؛ و آسیب پذیری آنها را افزایش دادند. در مقابل، نیروهای محاصره شده به دلیل انگیزه های مذهبی قوی و روحیه شهادت طلبانه از صحنه نبرد خارج نشدند و با فداکاری در محاصره دشمن به مقاومت خود ادامه دادند و در نهایت، تعدادی از آنها به شهادت رسیدند تا چنین مقاومت و انگیزه های پایه و اساس سازمان و استراتژی آینده جنگ باشد.

در نهایت، باید گفت که عملیات هویزه تقابل دو استراتژی همسان، ولی نامتقارن ارتش های کلاسیک ایران و عراق بود. این عملیات با رویارویی دو نیروی زرهی آغاز شد و گسترده ترین جنگ تانک ها بعد از جنگ اکتبر نام گرفت، ولی با جنگ تن به تن به صورتی حماسی پایان یافت تا هر دو ارتش بیش از گذشته به توان و قابلیت ها خود پی ببرند.

پیامدها و سازوکارهای تأثیر گذاری حماسه هویزه

بعد از عملیات هویزه و اشغال شهر هویزه به دست نیروهای عراق و شکست دشمن در تلاش برای تصرف سوسنگرد، رکود بر جبهه ها حاکم شد. هیچ کس نمی دانست که چه باید بکند. شیوه حمله زرهی در روز و

این عملیات با رویارویی دو نیروی زرهی آغاز شد و گسترده ترین جنگ تانک ها بعد از جنگ اکتبر نام گرفت، ولی با جنگ تن به تن به صورتی حماسی پایان یافت



در نه ماه اول جنگ بود، نیروهای دانشگاهی به دلیل تحصیلات عالی و توانایی‌ها و استعدادهای فردی، خلاقیت بیشتری را از خود نشان دادند و به سرعت مسئولیت‌های فرماندهی نیروهایی که قبلاً هیچ گونه دانشکده نظامی ندیده بودند و تجربه جنگ نداشتند، به عهده گرفتند. در واقع، آنها تجربه نظامی را با یکدیگر آغاز کردند. البته، افراد تحصیل کرده این مراحل را با سرعت بیشتری طی نمودند. ناگفته نماند که دریافت سریع تجربه‌ها و آموزش‌ها همراه با روحیه آرمان خواهی این قشر در این جریان تأثیر زیادی داشت.

تأثیر دیگر عملیات‌هایی همچون حماسه هویزه بر رشد، گسترش و تکامل نیروهای انقلابی، سازمان سپاه و رابطه آنها با ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ بود. تجربه نیروهای انقلابی در عملیات هویزه، نقش آنها را در جنگ آشکار و بستر مناسبی را برای رشدشان فراهم کرد تا جایگاه شایسته خود را پیدا کنند. نیروهای سپاه به سرعت تجارب لازم را کسب کردند و عملیات‌های بزرگی را نخست به صورت مشترک با ارتش و سپس، به تنهایی طراحی و اجرا کردند.

روابط سپاه و ارتش در جبهه‌های جنگ از جمله موضوعاتی است که از حماسه هویزه و پیامدهای آن متأثر بود. در دوره فرماندهی بنی‌صدر و تجربه تلخ مشارکت نیروهای سپاه در عملیات هویزه آنها را از همدیگر جدا کرد و نیروهای سپاهی را به طراحی عملیات‌های مستقل سوق داد. آنها دریافتند که اجرای عملیات به شیوه عملیات هویزه و ترکیب نیروها بدون هماهنگی‌های لازم، پیامدهای منفی زیادی دارد؛ بنابراین، در صدد جمع‌آوری تجهیزات برآمدند تا مستقل و بی‌نیاز از ارتش عمل کنند. در مراحل بعدی جنگ نیز، همکاری آنها، نه به صورت ترکیب ساده، بلکه بیشتر به صورت تقسیم وظایف، عملکرد جداگانه یا حمایت بخشی از ارتش از عملیات نیروهای سپاه بود.

یکی از دلایل شکست عملیات هویزه اتخاذ استراتژی جنگ منظم و زرهی در آن دوره بود که خلع سلاح نسبی جناح لیبرال در قدرت سیاسی را به همراه داشت. ناکامی این جناح در هویزه موقعیت آن را در صحنه سیاسی کشور متزلزل کرد و بر بی‌کفایتی فرماندهی عالی جنگ در هدایت

تکوین آن، کوشیدند. نخستین حاصل آن دو ماه بعد، با اجرای عملیات محدود حضرت مهدی در منطقه سوسنگرد به دست آمد. بیش از آن که نتایج عادی این عملیات که نیروهای سپاهی به صورت مستقل آن را طراحی و اجرا کردند، اهمیت داشته باشد، عواقب روحی و روانی آن مهم بود؛ زیرا، این باور را پدید آورد که نیروهای انقلابی می‌توانند به بن‌بست سیاسی-نظامی جنگ پایان دهند و با خلاقیت و ابتکار با ماشین جنگی دشمن مقابله کنند. آنها به این نتیجه رسیدند که حل معضلات انقلاب، تنها با شیوه‌های انقلابی و خارج از روش‌های مرسوم امکان‌پذیر است.

بدین ترتیب، مرحله جدیدی آغاز شد که طی آن، نیروهای مردمی و سپاه با استفاده از روش‌ها و تاکتیک‌های مبتنی بر روحیه انقلابی، مسئولیت سنگین‌تری را در جبهه‌های جنگ برعهده گرفتند. سازمان سپاه گسترش یافت و از آن جا که امکاناتش نسبت به مسئولیتش محدود بود، تجهیزات و سلاح‌های بیشتری را دریافت کرد. در این شیوه، که متأثر از حماسه هویزه و عملیات‌های مستقل سپاه



بن بست جنگ کلاسیک و زرهی بیش از پیش نمایان شد؛ استراتژی جنگ مردمی و انقلابی جایگاه مناسبی یافت؛ و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با جذب نیرو و امکانات بیشتر سازمان رزم خود را گسترش داده و تعهدات بیشتری را در صحنه جنگ بر عهده گرفت.

◆ یادداشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد ساختار قدرت سیاسی ر.ک. به: منوچهر محمدی؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی؛ تهران؛ امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ص ۱۵۱، ۱۶۱.
۲. در مورد مقاومت نیروهای مردمی در خرمشهر و حماسه‌هایی که آفریدند ر.ک. به: هادی نخعی و دیگران؛ خرمشهر در جنگ طولانی؛ تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۵ و در مورد وقایع روزانه جنگ در طی ۳۵ روز آغاز جنگ ر.ک. به: مهدی انصاری؛ روز شمار جنگ ایران و عراق؛ جلد چهارم. هجوم سراسری؛ تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۲.
۳. علی تجلابی (شهید)؛ «گزارش پاسداران اعزامی از تبریز به سوسنگرد» سند شماره ۰۲۱۴۷۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۵۹/۸۳۰.
۴. محمد درویدیان؛ از خونین شهر تا خرمشهر؛ تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۶۱-۶۳.
۵. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ گذری بر دو سال جنگ؛ بی‌جا؛ بی‌بی‌نا؛ ص ۶۱.
۶. یعقوب حسینی و دیگران؛ ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد ۲. تهران؛ سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱.
۷. علیرضا لطف‌الله زادگان؛ روز شمار جنگ ایران و عراق. جلد یازدهم. هویزه آخرین گام‌های اشغالگر؛ تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، ص ۵۱۰ و ۴۷۲.
۸. حسینی و دیگران؛ پیشین؛ ص ۱۱۴.
۹. در مورد جزئیات طرح مانور و مراحل مختلف عملیات ر.ک. به: سند شماره ۰۰۴۴۸۲۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، «شرح عملیات نصر». لشکر ۹۲ زرهی اهواز. دی‌ماه ۱۳۵۹.
۱۰. سند شماره ۰۹۷۷/اگ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، «گزارش عملیات نصر» ص ۱۷۱.
۱۱. لطف‌الله زادگان؛ پیشین؛ صص ۵۶۷-۵۶۸.
۱۲. در مورد جزئیات محاصره نیروهای سپاه و مقاومت آنها ر.ک. به: سند شماره ۰۸۳۰۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه. «شرح عملیات هویزه» محمدرضا باستی ۱۳۵۹/۱۰/۱۶.
۱۳. سند شماره ۰۹۷۷/اگ پیشین؛ ص ۲۸.
۱۴. حسینی و دیگران؛ پیشین؛ صص ۱۱۰-۱۱۴.
۱۵. دانشکده فرماندهی و ستاد؛ فصلنامه بررسی‌های نظامی؛ شماره ۱، ص ۲۳.
۱۶. لطف‌الله زادگان؛ پیشین؛ ص ۱۹.

عملیات هویزه، که بن بست جنگ منظم زرهی را در پی داشت، در درون خود، حماسه‌ای را نیز آفرید و راه حلی را برای این مشکل پدید آورد؛ راه حلی که چیزی جز تداوم راه حماسه‌سازان هویزه نبود

جنگ مهر تأیید زد. در مقابل، این موضوع موجب شد تا نگرش نیروهای خط امام تقویت شود و موقعیت نظامی سپاه در محیط‌های تصمیم‌گیری افزایش یابد.

عملیات هویزه افزون بر سطوح نظامی و سیاسی جبهه‌های خودی، بر وضعیت نظامی دشمن و ارزیابی آن از جبهه‌های خودی نیز مؤثر بود. شکست ارتش عراق در روز نخست عملیات، آسیب‌پذیری گسترده آنها را در مناطق اشغالی آشکار کرد. هرچند آنها توانستند طی ضد حمله روز بعد، نیروهای ایرانی را به عقب راند و مناطقی را که در مرحله نخست از دست داده بودند، باز پس گیرند، ولی دیگر توان پیشروی بیشتر را نداشتند. در واقع، نیروهای منظم دو طرف به یک موازنه رسیدند و آن را به طور ضمنی قبول کردند. نیروهای عراق به این نتیجه رسیدند که جمهوری اسلامی ایران فاقد قابلیت و توانایی لازم برای طراحی و اجرای عملیات آفندی اساسی است. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می‌گوید: «ما تصور می‌کردیم که نیروهای ایرانی از اجرای عملیات دقیق و برنامه‌ریزی شده در سطحی گسترده ناتوان هستند؛ لذا، بر موضع خود کاملاً اصرار داشتیم. ... ما این ذهنیت را از شکست نیروهای ایرانی در تاریخ ۱۹۸۱/۷/۵ (۱۳۵۹/۱۰/۱۶) در هویزه به دست آوردیم»^{۱۵}.

همان‌طور که گفته شد در همین حال، ارتش عراق نیز دیگر توان لازم را برای پیشروی بیشتر نداشت. هر چند آنها در این دوره به لاک دفاعی فرو نرفتند، ولی اقدام چشمگیری را نیز انجام ندادند و نتوانستند پیروزی‌های اولیه‌شان را توسعه دهند. بدین ترتیب، عراق به موازات تلاش‌های محدود نظامی در صدد استفاده از امتیازات کسب شده برای دستیابی به یک صلح پیروزمندانه برآمد. در عین حال، برای یک جنگ فرسایشی درازمدت و ادامه اشغال ایران اعلام آمادگی کرد و در عمل نیز، به تهیه مقدمات آن پرداخت.^{۱۶}

بدین ترتیب، حماسه هویزه در سه حوزه نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران، ترکیب قدرت سیاسی آن و استراتژی نظامی عراق مؤثر بود. در عملیات هویزه،